



یادداشت

انتخاب شهردار را اسیر ملاحظاتی سیاسی نکنید

علی محمد علیخان زاده

مدیرعامل اسبق مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران



مسأله انتخاب شهردار تهران برای سومین بار از زمان روی کار آمدن شورای پنجم و تا کماهی در ثبات مدیریت شهری، بیگانه آن است که سازوکار انتخاب شهردار از اساس دارای اشکال و البته قابل تغییر است. در این شرایط این سوال مطرح می شود که آیا شهردار تهران باشیوه در پیش گرفته شده در چارچوب مردم سالاری انتخاب می شود و آیا شهردار و شهرداری ها، به عنوان نگاه اقتصادی، بر اساس شیوه های نوین نگاهداری از جمله پایبندی به شفافیت اداره می شود؟

اگر شهر را به مثابه یک شرکت سهامی عام تصور کنیم، در این صورت انتظار می رود که این شرکت بر اساس اصول «حاکمیت شرکتی» اداره شود تا همواره از نظر تولید ثروت در حاشیه امن قرار داشته باشد و با اعمال این اصول و در رأس آنها پاسخگویی و شفافیت، منافع مردم و اصل «حکمرانی خوب» بحکیم باید، اما تازمانی که همه فرآیندهای اداره و مدیریت شهروشن و شفاف نباشند، نمی توان امید چندانی به بهبود «علایم حیاتی» تهران داشت. این موضوع در حالی است که شورای شهر تهران بار دیگر با معرفی ۳۰ گزینه تکراری و بعضاً ناآشنا با عرصه «مدیریت شهری» در مسیر غیر شفاف و ناصحیح انتخاب شهردار گام نهاده و نشان داده است که ملاحظاتی سیاسی و جناحی همچنان در اولویت نخست شوراییان است.

نکته این جا است که هم اعضای شورا و هم مدعیان داوطلب احراز پست شهرداری باید پاسخ دهند که کدام یک از این گزینه ها توان و پشتوانه اجتماعی-سیاسی و همچنین برنامه، جرأت و جسارت این را دارند که با تهیه و اجرای برنامه های تعدیل خیل عظیم ۶۸ هزار نفری کارکنان شهرداری، کوچک سازی سازمانی از طریق حذف و یادغام سازمان های موازی، کاهش هزینه های سرسام آور و بازپرداخت بدهی ۵۳ هزار میلیارد تومانی، با توجه به منابع درآمدی ناپایدار و پرداخت حقوق ماهیانه بالای ۲۰۰ میلیارد تومان و برنامه تعادل بخشی بین درآمد ها و هزینه ها دست به یک جراحی بزرگ بزنند و این سازمان فربه، خسته و فرسوده را از فراوتادن بیشتر در سیاه چاله رهایی بخشد. در این شرایط چگونه می توان از گرداب ناکارآمد مدیریت شهری و انتخاب مدیر ارشد آن بیرون آمد. باید گفت اینکه که شرایط برای گزینش شهردار تهران همانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته از طریق رجوع مستقیم و بدون واسطه به آرای عمومی و یا انتخابات حزبی همچنان مهیا نیست، جا داشت به منظور جلب مشارکت حداکثری شهروندان شورا از طریق «فراخوان عمومی» برای انتخاب شهردار اقدام شود و نشان داده شود که برای اعضای شورا مصالح مردم بر منافع جناحی، حزبی و قوم و قبیله گرایی ارجحیت دارد. اینکه که انتخاب شهردار به ناچار مسیری خلاف آن چه که گفته شد را طی می کند و شانس گزینش اصح ترین فرد عملاً سلب شده است، جا دارد شهردار تهران از میان گزینه هایی انتخاب شود که علاوه بر صلاحیت های عمومی و تخصصی، فردی با سابقه درخشان اجرایی، آشنا به امور اقتصادی و تأمین مالی، دارای پشتوانه و مقبولیت عام و خاص، بر خوردار از روحیه «ردمی بودن» و به ویژه بری از هر گونه حواشایی باشد.



رئیس قوه قضائیه: **قضات از مجازات های جایگزین حبس استفاده کنند**

آیت الله صادق آملی لاریجانی با تأکید بر ضرورت استفاده حداکثری قضات از ظرفیت های قانونی مربوط به مجازات های جایگزین حبس و سایر تأسیسات قانونی منجر به کاهش جمعیت زندان ها گفت: احکام زندان باید در چارچوب قانونی و در حد ضرورت و برای حفظ امنیت جامعه و امنیت کشور باشد. رئیس قوه قضائیه ابراز امیدواری کرد که با صدور مجازات های جایگزین حبس بر مبنای قانون، عدالت، فهم صحیح و بصیرت، گام مهمی در جهت کاهش جمعیت کیفری کشور برداشته شود.

انتشار اسامی اعضای هیأت مدیره شرکت های زیر مجموعه شستا از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جنجال آفرید

نوروزارت رفاه بر تاریخ خانه شستا

نهاد یکی از مخازن بزرگ ژن خوب کشور هم است. طبق ادعای کارشناس برنامه پیش افشین غریب پور عضو هیأت مدیره سیمان یاسوج فرزند خداداد غریب پور مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری بانک ملی، سید ابراهیم سقایی فومنی عضو هیأت مدیره پتروشیمی غدیر خواهرزاده محمد باقر نوبخت معاون رئیس جمهوری، یعقوب موسوی جهان آباد مدیرعامل سیمان یاسوج از بستگان خداداد غریب پور و برادرزاده سید باقر موسوی نماینده مجلس پنجم و ششم هستند.

همچنین طبق لیست منتشره در این برنامه، امیر سامان اسفندیاری فرزند فرهاد اسفندیاری معاون نظارت بر شرکت های تاپیکو، مهدی راعی عضو هیأت مدیره پتروشیمی امیرکبیر برادر رضا راعی قائم مقام سازمان تأمین اجتماعی، محمدعلی شفیعی سیف آبادی عضو هیأت مدیره پتروشیمی غدیر داماد غلامحسین نوذری وزیر اسبق نفت، هادی و کیلی عضو هیأت مدیره دوده صنعتی پارس فرزند محمد علی و کیلی نماینده مجلس، سید مصطفی فیض عضو هیأت مدیره شرکت های شیمی و نفت و سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی خواهرزاده رئیس جمهور دولت اصلاحات، سعیدالله بداشتی عضو هیأت مدیره کارخانجات پارس الکترونیک فرزند آیت الله ابوالحسن الهی بداشتی برخی از ژن های خوب زیر مجموعه وزارت کار هستند.

کوک دسته جمعی از سایپا به شستا

از ماجرای دوشغله ها، سه شغله ها، مدیران راه دور و ژن های خوب که بگذریم به پدیده مهاجرت دسته جمعی مدیران سایپا به شستا می رسیم. این فهرست ها نشان می دهد که مدیرانی که در دوران احمدی نژاد و بذر پاش در سایپا مسئولیت داشتند و با شروع دوره جدید از آن جدا شدند، بلافاصله جذب شرکت های زیر مجموعه شستا شده اند.

مثلاً امید تشت ز از نزدیکان مهرداد بذر پاش و مدیر حوزه مدیرعامل سایپا در زمان او با آمدن پوسنتین دوز مدیرعامل سایپا آذین شد و در زمان قالیباف به مترو تهران رفت. او در حال حاضر عضو هیأت مدیره شرکت فیروزکوار زیر مجموعه های شرکت سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی است. حمید رضوانی پور دیگر مدیر دوره پوسنتین دوز که مدیر عاملی کارگزاری بیمه سایپا را برعهده داشت، الان سرپرست شرکت سرمایه گذاری هامون کیش است.

خودمرآقبتی از نوع شستا

اگر هنوز برای خواندن عجایبی که در شستا در جریان است جا دارید این را بنویسید که خیلی از کسانی که در هیأت مدیره شرکت های مادر و بالادستی شستا عضویت دارند همزمان عضو هیأت مدیره شرکت های زیر دست هم هستند، یعنی احتمالاً خودشان باید از بالا بر روی کار خودشان نظارت کنند. مثلاً فرهاد اسفندیاری که در حال حاضر معاون نظارت بر هلدینگ های تاپیکو است، همزمان سرپرست پتروشیمی فن آوران و عضو هیأت مدیره شرکت پتروشیمی بدر ششرق نیز است. همچنین رضا توکلی نبیری که مدیر امور مجامع و مالکیت سهام تاپیکو بوده، تیرماه امسال به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت های نفت ستاره خلیج فارس و سرمایه گذاری ساختمان ایران منصوب شده است.



سعیدالله بداشتی که ادعا شده یکی از ژن های شستا است، در گفت و گو با «شهروند»:

این مسأله امروز و دیروز نیست

در برنامه پیش، اسم سعیدالله بداشتی، فرزند آیت الله ابوالحسن اله بداشتی به عنوان یکی از ژن های خوب شستا و مدیران دوشغله آمد و ادعا شد که او عضو هیأت مدیره کارخانجات پارس الکترونیک است. او بلافاصله در توییخت نوشت: «با آرزوی ندایم شفافیت، نه دبیر هیأت مدیره شستا هستم و نه پست اجرایی در دولت دارم. یک سال است که به عنوان مشاور مهندس ترکان در شستا همکاری می کنم و دو ماه است که عضو غیرموظف هیأت مدیره یک شرکت نیمه تعطیل هستم و تلاش می کنیم که تولید رادوباره شروع کنیم و حقوقی هم از آن جانی گیرم.» الله بداشتی در گفت و گو با «شهروند» ضمن این که تأکید می کند نسبت خانوادگی اش تأثیری در انتخابش به عنوان مشاور ترکان و عضو غیرموظف هیأت مدیره آن شرکت و رشکسته نداشته، وضع وخیم شستا و سایر نهادهای اقتصادی مشابه را در نمی کند. او می گوید: «یک چیزی که باید اول به آن بپردازم این است که طبق قانون حضور یک نفر به عنوان عضو غیرموظف هیأت مدیره یک شرکت نمی تواند مانع از پذیرش شغل دیگری شود و بر عکس. حالاً ممکن است که عدای بگویند اصلاً یک شرکت چه نیازی به یک عضو غیرموظف دارد و باید کسانی عضو هیأت مدیره باشند که همه هم و غمشان را روی همان کار بگذارند. خبر اگر روند قانونی این موضوع طی شود، افرادی ندارم اما فعلاً چنین قانونی نیست. ضمن این که خیلی از شرکت های خواهند از توانایی های یک نفر استفاده کنند بدون این که آن فرد را به طور کامل به خدمت بگیرند و باید برای این کار راهی وجود داشته باشد.» او ادامه می دهد: «قبول دارم که اوضاع در شستا و نهادهای مشابه از نظر روح رانت و رابطه خیلی بد است، اما باید بدانیم که این مسأله امروز و دیروز نیست. در دوران آقای احمدی نژاد اوضاع به مراتب بدتر بود، اما حالا حداقل یک شفافیتی از سوی دولت کلید خورد تا اینها مشخص شود. شاید این کار به ضرر دولت باشد و برایش جنجال درست کند، اما در زمان دولت به نفع مملکت است. از این جابه بعد نقش رسانه ها و مطبوعات خیلی مهم است. آنهایی که عنوان رکن چهارم دموکراسی باید این موضوعات را چنان یادقت و جدیت دنبال کنند که فشار افکار عمومی منجر به کاهش و برچیده شدن این بساط باشد.»



مدیرعامل شرکت نفت ایرانول شده است.

مدیریت از واتیکان

حضور سید طاها هاشمی از واتیکان در هیأت مدیره هلدینگ دارویی شستا هم از آن بخش های جالبی است که انتشار فهرست هاستان می دهد. او که از تیرماه امسال به عنوان سفیر ایران در واتیکان مشغول به فعالیت شده، عضو موظف و تمام وقت هلدینگ دارویی شستا است، کاری که احتمالاً غیرممکن است.

دریابی از ژن خوب

این طور که فهرست اعضای هیأت مدیره شرکت های زیر مجموعه شستا نشان می دهد، فقط شلوغ بودن سر مدیران با به عهده گرفتن مدیریت چند شرکت مختلف یا دور بودن هزاران کیلومتری شان از محل خدمت تنها اتفاقات عجیبی نیست که در شستا جریان دارد. گویا این

شستا سه شغله بودن هم خیلی رایج است. تا جایی که فهرست مدیران سه شغله اصلاً خلوت نیست.

غوغای غیرمرتبط ها

یکی دیگر از موضوعاتی که با بررسی فهرست های منتشر شده از سوی وزارت رفاه معلوم شده، حضور کسانی در هیأت مدیره هاست که تحصیلات و رزومه مرتبط با شرکتی که روی صندلی هیأت مدیره اش نشسته اند، ندارند. کسانی که تعدادشان به ۱۰۰ نفر می رسد؛ مثلاً شخصی با مدرک ادبیات فارسی مدیرعامل یک شرکت سیمانی است. یا شخصی با مدرک علوم دریایی در شرکت دامپروری یا با مدرک شهرسازی در هیأت مدیره یکی از شرکت های دارویی مشغول فعالیت است. جالب تر این که کسی که کل سابقه و رزومه اش به حوزه روابط عمومی برمی گردد،

رئیس صداوسیما معتقد است رسانه ملی ۸۰ درصد مخاطب دارد و فضای مجازی فقط ۲۰ درصد را جذب کرده

ماستی که هیچ وقت ترش نیست

تهران حدوداً ۵۰ درصد افزایش داشته است. با توجه به آمار ارایه شده در این گزارش، شبکه یک سیما در سطح ملی بیشترین میزان بیننده را در سال ۸۸ (۷۸ درصد) و کمترین مخاطب را در سال ۹۲ (۵۸ درصد) تجربه کرده است. ولی آمارهای سال گذشته در مرکز آفرایش ۸۸ درصد این شبکه خبر می دهد: «دقت کنید؛ شبکه یک «بهترین» آمار دارد و نه «بسیارترین» باقیقیه شبکه ها را و باز توانسته در سطح ملی به عدد ۶۸ درصد مخاطب برسد. حالاً جطور و براساس چه برنامه های این شبکه -امسال- به عدد ۸۰ درصد بیننده یا بیشتر از آن رسیده که در کلام رئیس رسانه ملی نشسته است؟

در دوره های که همه رسانه های جمعی حضور و قدرت فضای مجازی را پذیرفته اند و حتی خبرگزاری فارس و ایسنا هم راه تأثیر گذاری را در بازگشت به تلگرام جستند، انکار مخاطبان فضای مجازی چه مشکلی از مشکلات صداوسیما را حل می کند؟ وقتی ضرب نفوذ فضای مجازی در بین مردم ما آن قدر بالاست که همه مسئولان را به چالش کشیده، چرا رسانه ملی وارد این گود رقابتی نمی شود و همیشه خود را برتر و از پیش برده می داند؟ این سوال ها را شاید روزی روزگاری مسئولان درجه اول صداوسیما باید پاسخ دهند؛ روزی که دیر نشده باشد.

خود اختصاص داده و این در حالی است که فضای مجازی ۲۰ درصد مخاطبان را به خود اختصاص داده است.» سوال اصلی این است که این آمار ها نمونه های مشابهش که توسط مسئولان صداوسیما و در پاسخ به رسانه ها همیشه مطرح می شود بر اساس کدام نظر سنجی است؟ با چه جامعه آماری انجام شده و چرا هیچ وقت نتایج آن منتشر نمی شود که مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. آیا در دوره های که تلویزیون های دنیا (با همه برنامه های متنوع شان) برابر فضای مجازی سیر نزولی دارند، تماشاچیان تلویزیون ایران در حال افزایش هستند؟ اگر بنا را بر داده های «مرکز پژوهش و سنجش افکار رسانه ملی» بگذاریم، در سایت این مرکز، هیچ پژوهش قابل دسترسی درباره میزان مخاطبان تلویزیون مشاهده نمی شود. اما آخرین خبر از همین مرکز -که معلوم نیست پژوهش را براساس نظر سنجی های تلفنی یا اینترنتی یا میدانی انجام داده و چقدر قابل اعتماد و صحت سنجی است- نشان می دهد که میزان بینندگان کنونی تلویزیون اگر چه نسبت به گذشته (یعنی سال های پس از ۸۸) رشد داشته ولی هیچ گاه به عدد ۸۰ درصد هم نرسیده! خبرگزاری فارس در اردیبهشت سال گذشته خبری منتشر کرده با این مضمون: «بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز پژوهش های صداوسیما میزان بینندگان تلویزیونی در سراسر کشور ۲۰ درصد و در

اجلاس یکصدو هشتم شورای اجتماعی کشور یک موضوع ویژه داشت: «نقش صداوسیما در کاهش آسیب های اجتماعی.» در این جلسه که معمولاً حرف های کلی و سیاست های کلان مطرح می شود و راهکار های عملی هم ارایه نمی شود، یکی دو نقل قول درباره نقش صداوسیما و رقابتش با فضای مجازی جلب توجه کرد. جایی که وزیر کشور از توقعاتش گفت: «انتظار از صداوسیما بالاست به دلیل اینکه صداوسیما دارای جامعیت و فراگیری بوده و این یک امتیاز بالاست که از آن بر خوردار است و این توقع نیز به حق است. در حال حاضر عرصه انحصار واقعاً شکسته شده و با وجود فعالیت فضاهای مجازی و ماهوار، مردم قدرت انتخاب دارند و باید کار طوری انجام شود که روح واحد در همه ساختار ها جاری باشد و در طی زمان این روح واحد دیده شود، استمرار داشته باشد و موجب جریان سازی شود.» در ادامه این جلسه علی عسکری قبول کرده است که «به دلیل این که برخی از مشکلات مردم در صداوسیما مطرح نمی شود مردم به دنبال شبکه های خارجی می روند و این گونه وانمود می شود که واقعیت مطرح نمی شود؛ اما ما سعی می کنیم که طوری دیدگاه های مردم مطرح شود که واقعیت هایش گفته شود.» اما حرف رحمانی فضل را این طور پاسخ داده است: «در حال حاضر صداوسیما بالای ۸۰ درصد مخاطبان را به

